

نکاتی چند دربارهٔ مقررات پولی و ارزی از دیدگاه حقوق بین الملل خصوصی*

۱ - مقررات پولی و ارزی از جنبه های مختلف قابل مطالعه است . به ویژه مساله از نظر اصول بانکی و اقتصادی قابل تحقیق و بررسی است . ولی آنچه در این مختصر مورد بحث قرار می گیرد نکاتی است که به حقوق بین الملل خصوصی و تعارض قوانین و به تعبیر روشن تر به انتخاب و تعیین قانون حاکم در این خصوص ارتباط پیدا می کند . بدیهی است که مساله تعارض قوانین و انتخاب و تعیین قانون حاکم هنگامی پیش می آید که یک عامل خارجی در کار دخالت داشته باشد و مساله لااقل به حقوق دو کشور ارتباط پیدا کند .

۲ - قبل از بحث از موضوع لازم است بین پول محاسبه

money (currency) of account - monnaie de compte

و پول پرداخت money of payment - monnaie de paiement

تفکیک و مفهوم این دو اصطلاح را روشن کنیم . پول محاسبه پولی است که برای محاسبه و تعیین ارزش دین بکار می رود . مثلاً " طرفین قرار داد توافق می کنند که پول محاسبه دلاریا فرانک فرانسه باشد و برپایه این پول دین متعهد محاسبه شود .

در قرار دادهای بین المللی سابق چه بسا مبنای محاسبه طلا یا پول طلا مانند فرانک یا دلار طلا بود و با تعیین چنین پایه ای برای محاسبه بستانکار از خطر تنزل ارزش پول مصون می ماند . امروزه نیز در قراردادهای بین المللی گاهی یک پول قوی که ارزش آن ثابت یا تقریباً ثابت است برای محاسبه انتخاب می شود ولی این بدان معنی نیست که متعهد باید همان پول را به هنگام ایفاء تعهد پرداخت کند . پول محاسبه فقط برای محاسبه و تعیین مقدار پول پرداخت است . پولی که متعهد در زمان ایفاء تعهد می پردازد پول پرداخت نام دارد و این پولی است که در واقع به متعهدله پرداخت و موجب برائت متعهد می گردد .

* این مقاله در دفتر خدمات حقوقی بین المللی ، شعبه لاهه ، در زمانی که نویسنده

سرپرستی بخش تحقیقات آن شعبه را برعهده داشته و در ارتباط با دعاوی مطرحه در دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده فراهم آمده است .

هر یک از دو موضوع پول محاسبه و پول پرداخت مسائل خاصی از دیدگاه حقوقی برانگیخته است ولی آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد پول پرداخت در حقوق بین‌الملل خصوصی است. نخست از قانون حاکم بر پول پرداخت (الف) و سپس از نرخ تبدیل پول خارجی به پول محلی (ب) و آنگاه از اثر برون مرزی مقررات کنترل ارز (ج) به اختصار سخن می‌گوئیم و سپس به نتیجه‌گیری از ضوابط وقواعد می‌پردازیم (د). آنچه ذیلاً " به نظر میرسد تحقیقی کوتاه و اجمالی است که می‌تواند حقوقدانان و دانشجویان حقوق را سودمند باشد. البته موضوع تاب آن را دارد که مورد بررسی عمیقتر و مفصل‌تری قرار گیرد.

الف - قانون حاکم بر تعیین پول پرداخت

۳ - از آنجاکه جریان پول و ارز در اقتصاد یک کشور اهمیت فوق العاده دارد، هیچ کشوری نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. لذا نظریه‌ای که تقریباً " در همه کشورها قبول شده این است که تعیین پول پرداخت تابع قانون محل پرداخت است و اگر مقررات کشور محل پرداخت اجازه ندهد که تعهد به پول خارجی پرداخت شود، یا قرار داد درباره پول پرداخت ساکت باشد، پرداخت پول کشور محل پرداخت در مقام ایفاء تعهد موجب برائت ذمه متعهد خواهد شد. این قاعده از مصادیق قاعده کلی‌تری است که در حقوق بین‌الملل خصوصی معروف است و آن این است که نحوه اجرای قرار داد تابع قانون محل اجراء *lex loci solutionis* است که ممکن است با قانون حاکم بر ماهیت قرار داد و دین متفاوت باشد. قانون عمومی حاکم بر قرار داد و دین در اصطلاح حقوقی انگلیسی *proper law of the contract* (۱) نامیده میشود.

(۱) در تعریف *proper law of the contract* (قانون مناسب قرارداد) گفته‌اند که عبارتست از " قانونی که بر بسیاری از مسائل مربوط به قرار داد حکومت می‌کند " یا " قانونی که دادگاه انگلیسی یا دادگاه دیگر برای تعیین تعهدات ناشی از قرارداد باید اجرا کند " و نیز گفته‌اند قانون مزبور قانونی است که " معمولاً " حاکم بر اغلب موضوعات مربوط به عقد قرارداد یا ماهیت تعهد است ". البته ممکن است به موجب توافق یا برطبق قواعد تعارض، قوانین مختلفی حاکم بر مسائل مختلف مربوط به قرار داد باشد ولی قانونی که عموماً " برقرار داد حکومت می‌کند و اجرای آن اصل تلقی می‌شود، *proper law of the contract* نام دارد. رجوع شود به .

CHESHIRE and NORTH'S Private International Law 10th ed.
London 1979, p. 195-196.

مابجای این اصطلاح قانون حاکم بر قرارداد یا قانون عمومی حاکم بر قرار داد به کار می‌بریم . اصطلاح لاتینی *lex contractus* نیز به همین معنی بکار رفته است .

۴ - باتیفول استاد بنام حقوق بین‌الملل خصوصی در این زمینه میگوید .
 " عموماً " پذیرفته شده است که قانون محل پرداخت پول پرداخت را تعیین می‌کند ،
 یعنی پولی را که با پرداخت آن مدیون باید یا می‌تواند برائت ذمه حاصل کند " (۲)
 رابل در این خصوص می‌گوید . براساس این قاعده مسلم که قانون محل اجرا
 حاکم بر نحوه اجراء پولی که تعهد باید با آن ایفاء شود تعیین می‌گردد (یعنی تعیین
 پول پرداخت تابع قانون محل پرداخت است) . این مساله نیز باید روشن شود که در
 صورت سکوت طرفین قرار داد ، آیا مدیون خارجی می‌تواند به اختیار خود با پرداخت
 پول محل اجرای تعهد برائت حاصل کند . این قاعده در سوئیس پذیرفته شده و نیز با
 تردیدهایی در آلمان مورد قبول است و در بسیاری از منابع فرانسوی ضمن بحث از نحوه
 پرداخت به ویژه پول از این نظریه دفاع شده و به نظر میرسد که آراء انگلیسی هم با آن
 سازگار است . بالاخره (در آمریکا) مجموعه " شرح جدید حقوق " (۳) Restatement
 of the Law (§363) به حق درباره این مساله که کدام یک از چند دین که در یک ایالت
 باید پرداخت شود با پرداخت ساقط می‌شود به قانون همان ایالت ارجاع می‌کند " (۴) یعنی
 در واقع قانون محل پرداخت را حاکم بر پول پرداخت می‌داند) .
 باید اضافه کنیم که در فرانسه علاوه بر بدترین که رابل به آن اشاره می‌کند ، رویه
 قضائی هم قاعده فوق را پذیرفته است . (۵)

در کتاب تعارض قوانین دایسی و موریس در این زمینه چنین آمده است
 پولی که دین قراردادی یا غیر قراردادی می‌تواند یا باید با آن ایفاء شود (پول پرداخت)
 به موجب قانون کشوری که دین باید در آنجا پرداخت شود تعیین خواهد شد این

(2) BATIFFOL (H.) et LAGARDE (P.), *Droit international privé*, T. II 6ème édit. Paris, 1976, no 613, p. 297.

(۳) برای توضیح درباره این مجموعه رجوع شود به حقوق ایالات متحده آمریکا ،
 تالیف آندره تنک ، ترجمه دکتر صفائی ، چاپ دوم ، مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران ،
 ۱۳۵۸ ، صفحه ۱۰۸ تا ۱۱۰ .

(4) RABEL (E.), *The conflict of laws, A comparative Study*, V. III 2d ed., Michigan 1964, p.42.

(5) Req 11 juil. 1917, S. 1918. 1.215; Civ. 17 Nov. 1924, S.1925.1. 113; 1er Mars 1926, J.1926.661; 2 août 1926, J. 1927.103; Req. 17 Fev. 1937, D.H.1937. 234 R. 1938. 657 (cf. Batiffol, op. cit. no 613, note 59, p. 297) .

مساله که چه پولی مدیون بایند یا می‌تواند به دائن بپردازد مساله‌ای مربوط به نحوه اجراست و از اینرو تابع قانون محل اجراء *lex loci solutionis* می‌باشد اعم از اینکه قانون مزبور همان قانون حاکم بر ماهیت تعهد باشد یا نه. بین قانون حاکم بر تعهد و... پولی که تعهد باید با آن ایفا شود ملازمه‌ای وجود ندارد (۶).

۵- قاعده فوق از رایی که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی لاهه در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۲۹ صادر کرده است نیز بدست می‌آید. در این رای که مربوط به قراردادهای وام بین دولت صربستان و بانکهای فرانسوی است چند مساله مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی مطرح و درباره آنها اظهار نظر شده است که از جمله آنها مساله قانون حاکم بر تعیین پول پرداخت است. دیوان در رأی مزبور پس از اشاره به اینکه هر قرارداد بین‌المللی که قرار داد بین دولتها تلقی نشود تابع یک قانون ملی است که تعیین آن در حقوق بین‌الملل خصوصی بررسی می‌شود و اینکه ممکن است نظم عمومی کشور مقر دادگاه جلوی اجرای قانون خارجی حاکم بر قرار را بگیرد می‌گوید: "صرف نظر از نظم عمومی، ممکن است قانون واحدی بر همه روابط قراردادی حاکم نباشد. به نظر میرسد که با توجه به نیازهای بازرگانی باید به ویژه بین ماهیت دین و پاره‌ای از کیفیات ایفاء آن (نحوه پرداخت) تفکیک کرد. نخست باید قانون حاکم بر تعهدات در زمان ایجاد آنها تعیین شود. به اعتقاد دیوان این قانون (در مساله مورد اختلاف) قانون صرب است نه قانون فرانسه، لاقلاً در آنچه مربوط به ماهیت دین و صحت شرطی است که آنرا تعریف می‌کند. مقصود وامهائی است که بموجب قوانین صرب قرار داد آنها منعقد شده و در اسناد وام هم به آنها استناد گردیده است و اعتبار تعهداتی که در اسناد مذکور قید شده در حقوق صرب غیر قابل انکار است. اسناد مزبور در وجه حامل است که در بلغراد به وسیله نمایندگان دولت صرب به امضاء رسیده است. از ماهیت اسناد در وجه حامل هم چنین برمی‌آید که ماهیت دین از لحاظ همه دارندگان اسناد یکسان است و شخص دارنده و محل تحصیل سند اهمیتی ندارد فقط شخص وام گیرنده مشخص شده که در این خصوص دولت حاکمی است که نمیتوان فرض کرد که ماهیت دین خود و اعتبار تعهدات خود را تابع قانون کشور دیگری قرار داده است.

(6) DICEY and MORRIS on Conflict of Laws, 10th ed, London 1980, Rule 177, p. 1011-1012.

" معهذا دولت صرب می‌توانست وام‌های خود را خواه به طور کلی ، خواه از پاره‌ای جهات تابع قانون دیگری قرار دهد . اگر این امر اثبات می‌شد ، هیچ چیز نمی‌توانست آن را منع کند . لیکن در این مورد نص صریحی وجود ندارد . مساله این است که آیا از محتوای سند و دیگر اوضاع و احوال میتوان استنتاج کرد که دولت صرب خواسته‌است وام‌های منظور را خواه بطور کلی خواه از پاره‌ای از جهات تابع قانون فرانسه که تنها قانون مورد بحث در جلسات و مذاکرات بوده است قرار دهد دیوان تشخیص می‌دهد که در مورد وام‌های مورد بحث صربستان اوضاع و احوالی وجود ندارد که ثابت کند بر حسب اراده دولت وام‌گیرنده و به گونه‌ای الزام آور برای دارندگان اوراق قرضه ، تعهدات ناشی از قراردادها بطور کلی ، یا در مورد ماهیت دین و اعتبار شروط مربوط به آن ، تابع قانون فرانسه قرار داده شده است .

" ولی تشخیص اینکه در تعهدات ناشی از قرار داد تبعیت ارادی از قانون فرانسه در مورد ماهیت دین پیش‌بینی نشده است مانع از آن نیست که پولی که تعهد با آن باید یامی‌تواند ایفا شود تابع قانون فرانسه باشد . در واقع این اصل عموماً " پذیرفته شده‌است که هر دولتی حق دارد پولهای خود را تعیین کند . اجرای قوانین این دولت تا آنجا که در ماهیت دین مؤثر نبوده و با قانون حاکم بر آن تعارض نداشته باشد اشکالی ایجاد نمی‌کند " (۷)

۶- بدین سان ملاحظه میشود که قاعده تبعیت پول پرداخت از قانون محل پرداخت هم دردکترین و رویه قضائی داخلی و هم در رویه قضائی بین‌المللی پذیرفته شده‌است . این قاعده همانگونه که اشاره شد مبتنی بر مصلحت کشور محل پرداخت است که نمیتواند نسبت به پولی که در قلمرو آن در مقام ایفاء تعهد پرداخت میشود بی تفاوت باشد . به علاوه ، این راه حل چه بسا بامنافع طرفین قرار داد هم سازگار است چه معمولاً " قانون محل پرداخت می‌پذیرد که بدهکار بررغم جنبه بین‌المللی قرار داد و پیش بینی پول خارجی در آن ، با پول محلی ایفاء تعهد کند و این پول است که مدیون همیشه میتواند در محل به آسانی فراهم و پرداخت کند . (۸)

(7) Arrêt de la C.P.J.I. de la Haye du 12 Juillet 1929, Revue de Droit international privé 1929, Vol. XXIV, P. 453-455.

(۸) باتیفول ، کتاب مذکور ، ش ۶۱۳ .

می‌توان گفت که قاعده مذکور بیشتر به سودمدیون است زیرا این قاعده امتیازی برای مدیون به شمار می‌آید که می‌تواند با پول محل پرداخت دین خود را ایفاء کند ولی دائن حق ندارد او را ملزم به پرداخت پول محلی کند، مگر اینکه پرداخت به این پول در قرار داد پیش‌بینی شده باشد.

۷- قاعده پرداخت به پول محلی بجای پول خارجی نخست در کشورهای اروپای بتری (نظام حقوق نوشته) در مقررات مربوط به اسناد بازرگانی پذیرفته شد و سپس به کل حقوق بازرگانی این کشورها تعمیم یافت. این قاعده در قراردادهای بین‌المللی (قوانین یک نواخت) ژنومورخ ۱۹۳۰ راجع به برات و چک نیز دیده می‌شود و نیز در قانون بروات ۱۸۸۲ انگلیس English Bills of Exchange Act (پاراگراف ۴-۷۲) مندرج است. قاعده با عرف بازرگانی آمریکا در مورد اسناد در وجه حامل نیز سازگار است. (۹)

۸- مساله دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا قاعده پرداخت به پول محلی یک قاعده امری است یا یک قاعده تفسیری (تعویضی). به تعبیر دیگر آیا طرفین می‌توانند توافق کنند که پرداخت واقعی با پول خارجی باشد نه با پول محل ایفاء؟ در بعضی از کشورها این یک قاعده امری تلقی شده که طرفین نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند. (۱۰) ولی اغلب کشورها آنرا یک قاعده تفسیری یا تعویضی می‌دانند که طرفین یک قرار داد بین‌المللی می‌توانند برخلاف آن توافق کنند. ولی اگر تصریح به خلاف آن نکرده باشند قاعده پرداخت به پول محلی اجرا خواهد شد و قاضی پول خارجی را پول محاسبه تلقی و آنرا به پول محلی تبدیل خواهد کرد. (۱۱)

دیوان تمیز فرانسه به بستانکار یک قرارداد بین‌المللی حق داده است که از بدهکار پرداخت به پول خارجی را، در صورتی که برحسب اداره طرفین مشخص شده باشد،

(9) NUSSBAUM (A.) Money in the Law, National and international, Brooklyn 1950, p. 361.

(10) RIGAUX (F.), Droit international privé, T.II, Bruxelles 1979, no 1212.

(11) HECKE (G. Van), International Encyclopedia of Comparative Law, Vol. III, ch. 36, no 14.

مطالبه کند. بنابراین، قاعده پرداخت به پول محلی در فرانسه یک قاعده امری تلقی نشده بلکه یک قاعده تفسیری است که اراده طرفین را در صورتی که روشن نباشد تفسیر می‌کند و طرفین می‌توانند با توافق پول خارجی را بعنوان پول پرداخت تعیین کنند. البته این قاعده در حقوق فرانسه به قراردادهای بین‌المللی (قراردادهایی که موجب جریان و نقل و انتقال مال در فراسوی مرزهاست) اختصاص دارد و در قراردادهای داخلی پرداخت به پول محلی اجباری است.^(۱۲) صحت شرط پرداخت واقعی به پول خارجی مورد تصریح قانونگذار فرانسه در مورد برات (بند ۳ ماده ۱۳۸ قانون تجارت) و چک (تصویب نامه مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۳۵، بند ۳ ماده ۳۶) واقع شده ولی در این زمینه نیز صحت شرط اختصاص به قراردادهای بین‌المللی دارد.^(۱۳)

مطلب دیگری که قابل بحث به نظر می‌رسد تبدیل پول خارجی مذکور در قرارداد به پول محلی قابل پرداخت میباشد که ذیلاً "مورد بحث قرار می‌گیرد.

ب - تبدیل پول خارجی به پول محلی

۹ - هرگاه دین به پول خارجی باشد ولی متعهد مکلف یا مختار باشد آنرا به پول محلی پرداخت کند مساله تبدیل پول خارجی به پول محلی مطرح می‌شود. قبلاً باید یادآور شد که محل پرداخت، در صورتی که طرفین به آن تصریح نکرده باشند، بموجب قانون حاکم بر تعهد تعیین میگردد. ولی وجود اختیار تبدیل و امکان نفی آن تابع قانون محل پرداخت است چه این مساله برخلاف مساله پیشین مربوط به نحوه اجرای قرار داد است. وقتی که پول خارجی که در قرار داد پیش‌بینی شده تنزل کرده باشد، تعیین نرخ تبدیل و زمان آن اهمیت خاصی پیدا می‌کند. در اینجا دو نظریه عمده وجود دارد. یکی نظریه نرخ روز حال شدن دین که به قاعده روز نقض تعهد breach-day rule معروف

(12) LOUSSOUARN (Y.) et BROUËL (P.), *Droit international privé*, 2e éd. Paris 1980, no 384.

(13) *Encyclopédie juridique Dalloz, Répertoire de Droit international*, T.II, Paris 1969, Payment, no 54.

است و دیگر نظریه نرخ روز پرداخت واقعی day of effective payment تبدیل به نرخ روز حال شدن ، هنگامی که پول محاسبه بعد از آن تاریخ تنزل یافته باشد . به سود دائن است . ولی تبدیل به نرخ روز پرداخت به سود اوست ، هنگامی که ارزش پول محلی در فاصله بین حال شدن دین و روز پرداخت پائین آمده باشد . برعکس ، قاعده روز حال شدن به زیان دائن است ، در موردی که پول پرداخت (پول محلی) در آن فاصله تنزل یافته باشد و نیز تبدیل به نرخ روز پرداخت به زیان دائن است ، در موردی که ارزش پول محاسبه در آن فاصله پائین آمده باشد . البته ممکن است زیان دائن بالزام مدیون به پرداخت غرامت ناشی از تنزل ارزش پول جبران شود .

۱۰ - در کنفرانس انجمن حقوق بین الملل متشکل در Dubrovnik

(یوگسلاوی) به سال ۱۹۵۶ طرح قواعدی یکنواخت در این خصوص به تصویب رسید . بموجب این طرح نرخ تبدیل باید همیشه نرخ روز پرداخت باشد و در عین حال اگر پول محاسبه (پول خارجی) بعد از زمان حال شدن دین تنزل یافته است خسارت به دائن پرداخت شود. (۱۴) در اکثر کشورها نیز نظریه نرخ زمان پرداخت واقعی پذیرفته شده است . (۱۵) ولی در حقوق ایتالیا نظریه نرخ زمان حال شدن مورد قبول است . دادگاههای انگلیس نیز قاعده روز حال شدن دین را اعمال می کنند ، در حالی که دیوان عالی ایالات متحده در مورد تبدیل دیونی که قابل پرداخت در خارج آمریکا باشد ، قاعده روز حکم را پذیرفته است و طرح " دومین شرح جدید تعارض قوانین " Second Restatement of Conflict of Laws همین قاعده را به عنوان یک قاعده عمومی پیشنهاد می کند . معاهدات دادگاههای نیویورک قاعده روز نقض تعهد (حال شدن دین) را کمرای اعمال کرده اند . (۱۶)

۱۱ - اگر در نتیجه کنترل ارز پول محاسبه در بازارهای مختلف نرخهای متفاوت داشته باشد ، قانون حاکم بر قرار داد تعیین می کند که کدام نرخ باید اجرا شود . قاعده حقوق انگلیس ظاهراً این است که نرخ بازار محل پرداخت قابل اجراست ، در حالی

(۱۴) دائرة المعارف بین المللی حقوق تطبیقی ، ج ۳ ، فصل ۳۶ ، ش ۱۴ .

(15) NUSSBAUM, Op. Cit, P. 362-363; Rigaux, Op.Cit. T.I. no 1217.

(۱۶) دائرة المعارف بین المللی حقوق تطبیقی ، ج ۳ ، فصل ۳۶ ، ش ۱۴ .

که حقوق فرانسه نرخ بازار کشور محل دادگاه را قابل اجرامی داند . (۱۷)

۱۲- نکته دیگری که قابل ذکر به نظر میرسد این است که در کشورهای حقوق نوشته (Civil Law) دادگاهها با توجه به اراده طرفین و با رعایت قانون حاکم بر تعیین پول پرداخت ممکن است حکم به پرداخت پول خارجی یا مبلغی پول داخلی (کشور مقصد دادگاه) معادل آن بدهند ، در حالی که در کشورهای کاسن لو (انگلیس و آمریکا) اصل این است که دادگاه جز به پول داخلی نمی تواند حکم کند و نتیجه این راه حل آن است که دائن را در معرض خطر تنزل پول پرداخت در فاصله بین روز صدور حکم و روز پرداخت واقعی قرار می دهد .

لیکن قاعده سنتی کامن لو مورد انتقاد شدید قرار گرفته و در نتیجه رویه قضائی انگلیس در این خصوص تحول یافته است . نخستین تغییر رویه در آراء داوری دیده میشود که در بعضی از آنها حکم به پول خارجی صادر شده است و سپس دادگاه استیناف Court of Appeal در یک رای صادر در سال ۱۹۷۵ حکم به پول خارجی را پذیرفته و بالاخره مجلس اعیان انگلیس در رأی ۱۹۷۶ صادر دعوی Miliango v. George Frank (Textiles) Ltd.

همین راه حل را قبول کرده و در تعدادی از آراء بعدی نیز همین نظر اعمال شده است . (۱۸)

۱۳- در قرارداد های تابع حقوق بین الملل اختیار تبدیل پول خارجی به پول محلی ، در صورتی که طرفین قرارداد این اختیار را بصراحت از مدیون سلب نکرده باشند ، باید به عنوان یک اصل کلی حقوقی که مورد قبول تقریباً " همه کشورهاست پذیرفته شود . البته حل مساله انتخاب روز تبدیل دشوارتر است . تنها رای قابل استناد در این زمینه ظاهراً " رای داوری مورخ ۱۹۵۵ است که در دعوی Diverted Greek صادر شده است . در این رأی داوری با استناد قانون یکنواخت ژنودر باره برات قاعده Judgment-Day Rule روز حکم را اجراء کرده است . (۱۹)

(۱۷) - همان ماخذ شماره ۱۴ .

(18) CHESHIRE and NORTH'S, Private international Law, 10th ed, London, 1979, p. 713-715.

(19) Report of International Arbitral Awards XII, p.53; Rev. crit. dr. Int. pr. 1956, 278 (Cf. Encyclopedia of Comparative Law, T. III, Chap. 36, no 14).

ج- اثر برون مرزی مقررات کنترل ارز

۱۴ - اغلب کشورها دارای مقرراتی برای کنترل پول خارجی هستند . اصطلاح کنترل ارز Exchange Control به معنی کنترل پول خارجی و به عبارت دقیقتر کنترل وسائل پرداخت بین‌المللی از سوی دولت است. در واقع این اصطلاح امروزه شامل هر نوع کنترل دولت نسبت به پرداختهای بین‌المللی در رابطه با معاملات با کشورهای خارجی است. (۲۰) دولتها معمولاً " برای حفظ توازن پرداخت‌های بین‌المللی اقدام به وضع مقرراتی در این زمینه می‌نمایند و به موجب این مقررات تملک ارزهای خارجی بوسیله افراد مقیم کشور و پرداختها به افرادی که مقیم خارج هستند و قبول تعهدات در مقابل آنان را موکول به کسب اجازه از مقامات اداری می‌نمایند و برای معاملات ارزی غیر مجاز ضمانت اجرای مدنی و کیفری مقرر می‌دارند . مقررات ارزی اصولاً " مربوط به حقوق عمومی است ولی آثار مهمی در زمینه بازرگانی خصوصی بین‌المللی دارد .

هنگامی که مقررات ارزی مربوط به کشور مقردادگاه است ، این مقررات بوسیله دادگاه اجرا میشود حتی اگر قانون حاکم بر قرار داد قانون کشور دیگری باشد. ولی اگر مقررات ارزی مربوط به یک کشور خارجی باشد اجرای آن بوسیله یک دادگاه داخلی محل بحث است . البته این بحث هنگامی پیش می‌آید که قرار داد هنگام انعقاد ناقض مقررات خارجی مربوط به کنترل ارز و مطابق این قانون باطل یا غیر نافذ باشد یا تاثیر مقررات مزبور نسبت به اجرای تعهد و براءت متعهد مطرح گردد .

۱ - قراردادهای ناقض مقررات ارزی خارجی

۱۵ - اگر مقررات کنترل ارز جزئی از قانون حاکم بر قرار داد باشد دادگاههای کشورهای دیگر باید آنها را رعایت کنند و اثر آن را در صحت یا بطلان قرارداد بشناسند ، با این استدلال ساده که شرایط صحت قرار داد تابع قانون حاکم بر قرارداد است . لیکن اگر مقررات کنترل ارز مربوط به کشور دیگری باشد ، در اینجا دو نظریه وجود دارد . یک نظریه این است که برای تعیین تکلیف باید به قانون حاکم بر قرارداد

(20) NUSSBAUM, Op. Cit. p. 446.

رجوع کرد و باید دید آیا قانون مزبور قرار دادی را که با نقض عمدی مقررات ارزی یک کشور ثالث منعقد شده (مانند قاچاق ارز) به علت مخالفت با اخلاق حسنه یا نظم عمومی باطل می‌داند یا نه. بعضی از دادگاه‌های این گونه قراردادها را باطل اعلام کرده‌اند (۲۱) یا در زمینه مشابه نقض مقررات خارجی مربوط به کنترل صادرات حکم به بطلان داده‌اند. در مقابل، دادگاه‌های دیگری هستند که با اعتقاد به اینکه ارزش اخلاقی مقررات مزبور به اندازه‌ای نیست که بر اصل الزامی بودن قرار داد *pacta sunt servanda* مقدم شود قرار داده‌ای یاد شده را صحیح تلقی کرده‌اند. (۲۲)

نظریه دیگر این است که مساله تابع قانون محل اجرای قرار داد است نه قانون حاکم بر ماهیت قرارداد. این نظر در پاره‌ای آراء انگلیسی که مستقیماً "مربوط به مقررات کنترل ارز نیست دیده می‌شود. بعضی از مولفان انگلیسی نیز پیشنهاد کرده‌اند که قانون محل اجرا در این باره اجرا شود و اگر قرار داد طبق قانون محل اجرا به علت نقض مقررات ارزی کشور مربوط باطل باشد، دادگاه حکم به بطلان قرار داد دهد، اعم از اینکه قانون حاکم بر قرار داد آن را باطل تلقی کند یا نه.

۲- اثر مقررات ارزی خارجی در ایفاء تعهد

۱۶- بموجب نظریه غالب در رویه قضائی و دکترین اثر مقررات ارزی خارجی در ایفاء تعهد و براءت متعهد فقط هنگامی باید شناخته شود که مقررات مزبور جزئی از قانون حاکم بر قرار داد باشد. (۲۳) این بدان معنی است که مقررات ارزی در صورتی که نه جزء قانون حاکم بر قرار داد باشد و نه جزء قانون دادگاه در این زمینه مورد توجه قرار نخواهد گرفت.

نمونه‌های بارز اعمال قاعده فوق را در آراء انگلیسی میتوان یافت ولی در کشورهای دیگر تصویر کمتر روشن است. هم آرائی در جهت اثر بخشیدن به مقررات

(21) NETHERLANDS: Hoge Raad 16 Nov. 1956, N.J. 1957 no 1; AUSTRIA OGH 9 Feb. 1937, Rspr. 1937 no 1 (Cf. E.C.L. V. III Ch. 36 no 16).

(۲۲) دائرة المعارف بین‌المللی حقوق تطبیقی، جلد مذکور، فصل ۳۶ زیر نویس ش ۱۳۳، ص

(23) NUSSBAUM, Op. Cit. p. 475; E.C.L. v. III, Ch. 36, no 17.

ارزی خارجی بعنوان اینکه جزئی از قانون حاکم برقرار داد است دیده میشود و هم آرائی که به دلائل مختلف از به رسمیت شناختن مقررات مزبور خودداری کرده است .

۱۷ - سرزمینی بودن territoriality مقررات کنترل ارز مورد استناد دادگاههای کشورهای مختلف از جمله فرانسه - آلمان و سوئیس واقع شده است ولی این آراء قدیمی هستند و انگهی مورد انتقاد شدید واقع شده اند . در فرانسه رویه قضائی تحول یافته و اصل سرزمینی بودن مقررات کنترل ارز وعدم امکان اجرای آن در خارج به موجب آراء دیوان تمیز فرانسه از ۱۹۵۰ به بعد رها شده است .

دلیل دیگری که بعضی از دادگاهها برای عدم شناسائی تاثیر مقررات کنترل ارز خارجی بر قرارداد بدان استناد کرده اند این است که مقررات مزبور جزئی از حقوق عمومی است و از اینرو قابل اجرا در دادگاههای خارجی نیست . دادگاههای سوئیس - اطریش و نروژ بدین گونه استدلال کرده اند . در میان علمای حقوق بین الملل خصوصی نومیه Neumeyer از این نظر دفاع کرده ولی رابل ونوسبوم آن نظر را رد کرده اند بدین استدلال که اولاً "در مساله مورد بحث تاثیر مقررات کنترل ارز بر دیون و قرار - داده مطرح است که از موضوعات حقوق خصوصی هستند ثانياً "معلوم نیست چرا دادگاهها نمی توانند حقوق عمومی خارجی را که جزئی از نظام حقوقی قابل اجرا به موجب نظریه تعارض قوانین باشد اجراء کنند . (۲۴)

اندیشه دیگری که باعث رد اجرای مقررات خارجی مربوط به کنترل ارز شده فکر نظم عمومی *public policy-ordre public* کشور مقر دادگاه است که بعضی از دادگاهها به آن استناد کرده اند . بطور کلی نظم عمومی کشور مقر دادگاه به عنوان قاعده ای برای جلوگیری از اجرای قانون خارجی صلاحیت دار ، (یعنی قانون خارجی که طبق قواعد تعارض علی الاصول باید اجرا شود) در کشورهای مختلف از جمله در حقوق انگلیس و آمریکا پذیرفته شده است ولی استناد به آن امری استثنائی است و اصولاً "محدود است به مواردی که اجرای قانون خارجی با اصول تمدن یا منافع اساسی کشور مقر دادگاه مبادینت داشته باشد . اما در زمینه مقررات کنترل ارز بنظر میرسد که آراء جدید انگلیسی و آمریکائی با آن مساعد نیستند و بطور کلی بنظر میرسد که با گسترش مقررات کنترل ارز در سالهای اخیر فکر برخورد آن با نظم عمومی مقر دادگاه ضعیف شده

(24) NUSSBAUM, Op. Cit, p. 463.

است . (۲۵) امتناع از شناسائی تاثیر مقررات مزبور امروزه احتمالا " محدود به مقرراتی است که نه برای حمایت از اقتصاد یک دولت خارجی بلکه بمنظور اعمال فشار یا تبعیض وضع شده است . در یک رأی انگلیسی مورخ ۱۹۵۶ صادر در دعوی Helbert Wagg Co. Ltd. همین راه حل پذیرفته شده است . در این رای که مربوط به وامی است که یک شرکت آلمانی از یک شرکت انگلیسی گرفته بود ، قاضی انگلیسی قانون آلمان را که برای بدهکار مهلت قائل شده و پرداخت به مارک رآبجای لیره موجب پرائت او دانسته بود به عنوان قانون حاکم بر قرار داد proper law اجرا کرد و ضمنا " اظهار نظر نمود که مقررات ارزی که جزء قانون حاکم بر قرارداد بوده ولی جنبه مصادره یا مجازات داشته باشد قابل اجرا نیست ، لیکن قانون ۱۹۳۳ آلمان قانون شرافتمندانه و برای حل مشکلات اقتصادی آلمان بوده و جنبه تبعیض آمیز نسبت به طلبکاران خارجی نداشته است . این رای ظاهرا " مخالف رایبی بود که مجلس اعیان انگلیس در سال ۱۹۴۹ در دعوی Kahler V. Midland Bank صادر کرده بود ولی رای مجلس اعیان مورد انتقاد شدید واقع و استثنائی تلقی شده است . (۲۶)

۱۸ - بطور کلی مقرراتی که جزء قانون حاکم بر قرار داد نباشد معمولا به رسمیت شناخته نمی شود .

معهدا محل پرداخت یک عامل مهم در حقوق انگلیس و آمریکا در باب شناسائی و اثربخشیدن به مقررات ارزی خارجی است ولی نقش دقیق این عامل در دو نظام حقوقی یکسان نیست . دادگاههای آمریکا بر آنند که محدودیت های پولی و ارزی ناشی از قانون حاکم بر قرارداد فقط هنگامی بر رسمیت شناخته میشود که محل پرداخت در کشور وضع کنند ه آن محدودیت ها

(۲۵) دائرة المعارف بین المللی حقوق تطبیقی ، ج ۳ ، فصل ۳۶ ، ش ۱۷ ، ص ۱۶ ؛ نوسبوم ص ۴۶۲ تا ۴۶۴ . یک رأی انگلیسی مورخ ۱۷۳۲ که از شناسائی و اجرای مقررات ارزی پرتقال به استناد مباینیت با نظم عمومی انگلیس خودداری کرده است از نخستین آرائی است که در این خصوص صادر شده است .

(26) CHESHIRE and NORTH, Op.Cit, p. 142-145 .

باشد. (۲۷) یکرای انگلیسی نیز همین راه حل را پذیرفته (۲۸) لیکن گرایش عمومی دادگاههای انگلیس براین است که برای مقررات کنترل ارز کشور محل پرداخت اثر برون مرزی قائل شوند اگر چه قانون آن کشور قانون عمومی حاکم برقرار داد نباشد. مبنای این نظریه رأی صادر در دعوی

(29) Ralli Bros. V. Compania Noviera (1920) 2 K. B.

است (۲۹) دایسی و موریس می گویند: " یک تعهد قراردادی ممکن است بموجب مقررات کنترل ارز باطل یا انجام شده تلقی شود مشروط بر اینکه (الف) این مقررات جزء قانون حاکم بر قرارداد باشد، یا (ب) جزء قانون محل اجرای قرارداد باشد، یا (ج) جزء حقوق انگلیس باشد و قانون یا مقررات مزبور در مورد قرارداد قابل اجراء باشد." (۳۰)

در کشورهای دیگر دادگاهها به این اندازه به قانون محل پرداخت اهمیت ندادند و برخی از نویسندگان از اهمیت دادن به آن انتقاد کرده و گفته اند: این مساله مربوط به ماهیت تعهدات است نه نحوه اجرای آن و نباید در این زمینه قانون محل پرداخت لازم الرعایه باشد.

به هر حال راه حلی که رویه قضائی در اکثر کشورها پذیرفته این است که مقررات خارجی مربوط به کنترل ارز در صورتی در کشورهای دیگر محترم شمرده و به آن ترتیب اثر داده میشود که جزء قانون حاکم برقرار داد باشد. بنابراین امروزه دادگاهها ممکن است برای این مقررات اثر برون مرزی بشناسند و دیگر ترتیب اثر ندادن به آنها بعنوان سرزمینی بودن مقررات مزبور یا نظم عمومی چندان مورد توجه نیست. شناسائی اثر برون مرزی برای این مقررات در موافقت نامه صندوق بین المللی پول بیشتر مورد تاکید است.

(27) South American Petroleum Corp. V. Colombian Petroleum Co., 31 N.Y.S. 2d 771 (1941); Note: 47 Yale L.J. 451-457 (1937-38), Lann V. United Steel Works, I.N.Y.S. 2d 951 (1938) Koepfel 49; Nussbaum, Money 466 (Cf. E.C.L. Vol. III Ch. 36 no 17).

(28) NUSSBAUM, op. Cit, p. 473-474.

(29) NUSSBAUM, Op. Cit p. 473-474.

(30) DICY and MORRIS on Conflict of Laws 10th ed. 1980, Vol. 2, Rule 179, p. 1023.

۳- مقررات موافقت نامه صندوق بین‌المللی پول (۳۱)

۱۹ - در موافقت نامه برتون وودز Bretton Woods (مورخ ۱۹۴۴) که صندوق بین‌المللی پول International Monetary Fund را ایجاد کرده رعایت واحترام به مقررات کنترل ارز کشورهای عضو پیش‌بینی شده است . در حالی که کشورهای عضو آزادی خود را در مورد ایجاد محدودیتهایی برای انتقال سرمایه capital transfers حفظ کرده‌اند ، در مورد معاملات جاری current transactions به موجب اساسنامه صندوق فقط هنگامی میتوانند ایجاد محدودیت کنند که پول خاصی کمیاب باشد . معاملات جاری در ماده ۱۹ موافقتنامه تعریف شده است . بموجب این ماده " پرداختهای مربوط به معاملات جاری عبارت از پرداختهایی است که بمنظور انتقال سرمایه نیست . . . " سپس چهار مورد با تصریح به اینکه «عصری نیست برای پرداختهای مزبور ذکر شده که از جمله آنها پرداختهای مربوط به معاملات بازرگانی ، به معنی وسیع ، بهره‌وامها و اقساط متناسب moderate amounts وامها است . بنابراین بموجب موافقتنامه مذکور اعضاء تا حدودی حق دارند مقررات کنترل ارز برای خود وضع کنند .

۲۵ - به علاوه بموجب بند ۲ (ب) ماده ۸ موافقتنامه ، شناسائی و رعایت مقررات کنترل ارز اعضاء تضمین شده است . این بند مقرر میدارد . " قرار دادهای ارزی که پول یک کشور عضو در آنها مطرح است و مخالف مقررات کنترل ارزی است که در آن کشور لازم الاجراء بوده یا آن کشور برطبق این موافقت نامه مقرر داشته است در قلمرو هیچ یک از کشورهای عضو قابل اجرا نیست . بعلاوه اعضا می‌توانند با توافق یکدیگر تدابیری بمنظور موثرتر قرار دادن مقررات کنترل ارزی از اعضای خود اتخاذ کنند ، مشروط بر اینکه تدابیر و مقررات مزبور با این موافقتنامه سازگار باشد " .

(31) NUSSBAUM, Op. Cit. p. 525-533; RIGAUX, Op. Cit. no 1213; Encyclopédie juridique Dalloz, Rép. Dr. Int., Payment, no 72 et s. Encyclopedia of Comparative Law, Vol. III, Ch. 36, no 18; GIANVITI (F.), Reflexions, sur l'article VIII section 2b des Statuts du Fonds monétaire international, R.C.D.I.P. no 3-1973, p. 270 et s.; GOLD (J.), The Fund Agreement in the Courts, Washington DC, 1962.

در یک تفسیر رسمی که از سوی هیات مدیره صندوق راجع به ماده ۸، بند ۲ (ب) در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۹۴۹ بعمل آمده اعلام شده است که معنی عبارت این بند آن است که "تعهدات ناشی از این گونه قراردادهای (قراردادهای ناقص مقررات کنترل ارز یکی از اعضاء) از سوی مقامات قضائی یا اداری کشورهای عضو از طریق الزام به اجرای قراردادهای حکم به پرداخت خسارت به علت عدم اجرای آنها یا طرق دیگر لازم الاجراء شناخته نخواهد شد".

بنابراین اساسنامه صندوق بین‌المللی پول اثر برون‌مرزی مقررات کنترل ارز را شناخته و به بحث و اختلاف در این زمینه خاتمه داده و به تعبیر دیگر، تعارض قوانین در این خصوص را حل کرده است. پس دادگاههای کشورهای عضو باید محدودیتهای ناشی از مقررات خارجی کنترل ارز را که با موافقت نامه و مقررات صندوق بین‌المللی پول تعارض نداشته باشد محترم بشمارند و از ترتیب اثر دادن به قرار دادهای ناقص این مقررات خودداری کنند.

۲۱ - چند نکته دیگر درباره بند ۲ ب ماده ۸ قابل ذکر است.

۱ - در معنی قراردادهای ارزی exchange contracts که در بند ۲ ب ماده ۸ آمده و قلمرو اجرای آن بند را مشخص می‌کند، هم دردکترین و هم در رویه قضائی، اختلاف است. برابر یک نظریه "قراردادهای ارزی" دارای معنایی گسترده است و شامل هر قراردادی است که بنحوی در منابع ارزی یک کشور مؤثر باشد. این نظریه بوضوح در دو رای مهم منعکس شده است. (۳۲)

نظریه دیگر این است که "قراردادهای ارزی" قرار دادهایی است که موضوع مستقیم آنها یک وسیله پرداخت بین‌المللی است و این اصطلاح قراردادهایی را که موضوع آنها اوراق بها دار یا کالاهای بازرگانی باشد در بر نمی‌گیرد. بنابراین اگر مقررات کنترل ارز مربوط به قراردادهایی از این قبیل باشد مشمول بند ۲ (ب) ماده ۸ نیست و کشورهای عضو موظف نیستند به این مقررات ترتیب اثر دهند. این تفسیر مضیق مورد

(32) Trib. Luxembourg, 1 Feb. 1956, Pas. lux 17 (1957)

36; Cour Paris 20 juin 1961, Rev. crit. D.I. p.1962,

67 (Cf. J. GOLD, p.143-153).

قبول برخی از نویسندگان از جمله نوسبوم (۳۳) و بعضی از دادگاهها (۳۴) واقع شده است .

۲ - موافقت نامه صندوق بین المللی پول فقط در روابط بین کشورهای عضو صندوق براساس رفتار متقابل لازم الاجراست و در روابط این کشورها با کشورهای دیگر یا در روابط بین کشورهایی که عضو صندوق نیستند تاثیری نخواهد داشت و در این روابط قواعد عمومی تعارض قوانین که در پیش از آنها سخن گفتیم اجرا خواهد شد .

۳ - در اجرای بند ۲ ب ماده ۸ لازم نیست که قانون حاکم بر پولی که در قرار داد مطرح است *lex monetae* همان قانون عمومی حاکم بر قرار داد یا قانون حاکم بر نحوه اجرای قرار داد باشد . قانون حاکم بر پول قانونی مستقل است و عدول از آن باعث می شود که قرار داد در هر یک از کشورهای عضو غیر قابل اجرا باشد ، هر چند که قانون حاکم بر قرار داد یا قانون محل اجرا چیز دیگری را اقتضا کند . (۳۵)

۴ - اجرای بند ۲ (ب) ماده ۸ را نمی توان به استناد نظم عمومی خنثی کرد . به عبارت دیگر ، دادگاه نمی تواند به استناد نظم عمومی کشور خود از شناسائی اثر برون مرزی برای مقررات کنترل ارز خارجی خودداری کند ، چه موافقت نامه صندوق بین المللی پول که یک قرار داد بین المللی محسوب است درست برای این بوده است که شناسائی این اثر را برای مقررات کنترل ارز هر یک از اعضاء ، در حدود پیش بینی شده در اساسنامه صندوق ، تضمین کند و اگر قرار باشد باز هم هر عضوی بتواند به استناد نظم عمومی مقر دادگاه جلوی اجرای مقررات مزبور را بگیرد وضع قبل از موافقت نامه برتون وودزاز نوبت قرار و فایده موافقت نامه مذکور از بین خواهد رفت . این موافقت نامه خواسته است یک نظام پولی متعادل و متناسب بین دولتها ایجاد کند ، و در مقابل محدودیتهائی که از این رهگذر به حاکمیت کشورهای عضو وارد می شود این کشورها بتوانند از مزایای یک همکاری بین المللی مالی و حقوقی در جهت حمایت از منافع اقتصادی خود برخوردار گردند . همین اندیشه تعادل ، در شرط انطباق قانون پولی با اساسنامه صندوق که در بند ۲ ب ماده ۸ ذکر شده مشهود است .

(33) NUSSBAUM, Op. cit. p. 453-453.

(34) Belgium: Comm. Court Kortrijk (Cortrai 9 May 1953, R.W. 17(1953/54) 1693, ILR. 22(1955) 722 (Cf. Gold, 79-83); Netherlands: Rb. Maastricht 25 June 1959, N.J. 1960 no 290 (Cf. Gold 113-118).

(35) GIANVITI, Op. Cit. p. 480.

بدینسان مفهوم نظم عمومی فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد چه ترتیب اثر دادن به قانون خارجی خود بخود و بدون قید و شرط نبوده بلکه محدود و مقید به شرایطی است که در این قانون باید رعایت شده باشد. (۳۶)

۲۲ - در خاتمه بحث راجع به ماده ۸ اساسنامه صندوق بین‌المللی پول بجاست یادآور شویم که مفهوم و قلمرو این ماده هنوز مورد بحث و اختلاف است و به طور کلی درباره این موافقت نامه که یک قرار داد بین‌المللی محسوب میشود آراء زیادی در کشورهای مختلف از جمله آمریکا صادر گردیده است و این آراء به طور مرتب بوسیله مدیر بخش حقوقی صندوق به نام Joseph Gold تحت عنوان " موافقت نامه صندوق در دادگاهها " The Fund Agreement in the Courts مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است . بررسی این آراء عندالاقضاء می‌تواند موضوع مطالعه جداگانه‌ای باشد .

د - نتیجه

۲۳ - از آنچه در این بررسی اجمالی گفته آمد چند نکته بدین شرح می‌توان بدست آورد :

اولا " - تعیین پول پرداخت بر طبق حقوق داخلی کشورها و حقوق بین‌الملل خصوصی تابع قانون محل پرداخت است . یعنی اگر طرفین پول پرداخت را تعیین نکرده باشند برای تعیین اینکه چه پولی باید در مقام ایفاء تعهد به متعهد داده شود باید به قانون کشور محل پرداخت رجوع کرد .

ثانیا " - هرگاه پول محاسبه در قرار داد تعیین شده باشد ولی طرفین درباره پول پرداخت سکوت کرده باشند مساله تبدیل پول محاسبه به پول محل پرداخت مطرح میشود و در اینکه نرخ چه زمانی باید ملاک عمل باشد بحث و اختلاف است . در اکثر کشورها نرخ زمان پرداخت واقعی را در نظر می‌گیرند . در دادگاههای آمریکا هم بیشتر این نظر پذیرفته شده معهدا دادگاههای نیویورک و نیز دادگاههای انگلیس بیشتر قاعده " زمان حال شدن دین " را اعمال کرده‌اند .

ثالثا " - هرگاه قرارداد در زمان انعقاد ناقص مقررات ارزی کشور مقرر دادگاه باشد ، دادگاه آنرا باطل اعلام می‌کند . لیکن اگر قرار داد خلاف مقررات ارزی خارجی باشد

دادگاهها معمولا " هنگامی قرارداد را باطل یا غیر قابل اجراء تلقی می‌کنند که مقررات مزبور جزئی از قانون حاکم برقرار داد باشد .

رابعاً " - هرگاه مقررات ارزی خارجی تعهد را انجام شده و متعهد را بری بدانند دادگاههای کشورهای دیگر اغلب فقط در صورتی این اثر را می‌شناسند که مقررات مزبور جزء قانون حاکم بر قرارداد باشد .

خامساً " - استناد به نظم عمومی یا اصل سرزمینی بودن مقررات ارزی یا جزء حقوق عمومی بودن این مقررات به منظور نفی اثر بین‌المللی برای مقررات مزبور که در آراء قدیمی کشورهای مختلف دیده میشود از رونق افتاده و روبه زوال است . امروزه دادگاهها اثربین‌المللی این مقررات را با حدود و شرایطی می‌پذیرند و به تعبیر دیگر، به مقررات ارزی خارجی تا حدودی ترتیب اثر می‌دهند .

سادساً " - اثر بین‌المللی مقررات ارزی خارجی در اساسنامه صندوق بین‌المللی پول (ماده ۸، بند ۲ ب) در رابطه بین اعضای صندوق تاکید شده است . بموجب این ماده قرارداد ارزی مربوط به پول یک کشور عضو که ناقض مقررات ارزی آن کشور باشد در قلمرو هیچ یک از کشورهای عضو قابل اجرا نخواهد بود .

۲۴ - حال ببینیم از قواعد و ضوابط فوق در مذاکرات با طرفهای خارجی یا در دادگاهها به منظور پرداخت به ریال به جای دلار یا یک ارز دیگر چگونه میتوان استفاده کرد . البته برای پاسخگویی دقیق به این مساله باید خصوصیات هر پرونده مورد بررسی قرار گیرد . باید اضافه کرد که مسائل دقیق و قابل بحثی در این زمینه مطرح میشود که حل آنها دشوار است و نیاز به مطالعه دقیقتر و مفصلتری دارد . معهدا چند نکته بشرح زیر در رابطه با قرار دادهای ایران و مؤسسات ایرانی بابتگانگان قابل ذکر است .

۱ - اگر در قرارداد پرداخت به ریال پیش‌بینی شده باشد ، برطبق اصل حاکمیت اراده ، آنچه در قرار داد ذکر شده لازم الاجراست و متعهدله نمی‌تواند پرداخت به پول خارجی را مطالبه کند و دادگاهها نمی‌توانند این شرط را نادیده بگیرند مگر اینکه در یک قرارداد خصوصی یا بین‌المللی که بعداً " به امضاء رسیده خلاف آن مقرر شده باشد .

۲ - اگر در قرارداد ، پول خارجی (مثلاً " دلار) به عنوان پول محاسبه ذکر شده و در مورد پول پرداخت قرارداد ساکت باشد ولی محل پرداخت ایران باشد ، در این صورت نیز طبق اصلی که در حقوق بین‌الملل خصوصی پذیرفته شده تعهد قابل ایفاء به ریال است و متعهدله اصولاً " نمی‌تواند بجای آن پول دیگری را مطالبه کند .

۳- اگر قرارداد در زمان انعقاد ناقص مقررات ارزی ایران باشد و قانون حاکم بر قرار داد نیز قانون ایران باشد، دادگاههای کشورهای دیگر علی‌الاصول نمی‌توانند قرار داد را قابل اجرا بدانند و علی‌القاعده باید اثر برون مرزی برای مقررات ارزی ایران بشناسند.

۴- اگر قرار داد ناقص مقررات ارزی ایران باشد و دعوی در دادگاههای ایران مطرح شود دادگاههای ایران به استناد تخلف از مقررات آمره و مربوط به نظم عمومی حکم به بطلان قرار داد خواهند داد (ماده ۹۷۵ قانون مدنی).

۵- اگر برابر مقررات ارزی ایران پرداخت به ریال بجای ارز خارجی در مقام ایفاء موجب براءت ذمه متعهد باشد و قانون حاکم بر قرار داد نیز برطبق توافق طرفین یا اصول و ضوابط تعارض قوانین، قانون ایران باشد علی‌القاعده دادگاههای کشورهای دیگر باید مقررات ارزی ایران را محترم بشمارند و پرداخت به ریال را موجب براءت ذمه متعهد بدانند.

۶- چون ایران عضو صندوق بین‌المللی پول است مقررات کنترل ارز ایران که با ضوابط صندوق مباینیت نداشته باشد باید از سوی دیگر کشورهای عضو محترم شمرده شود. بنابراین قراردادی که ناقص مقررات مزبور باشد علی‌القاعده از سوی مقامات قضائی واداری سایر کشورهای عضو قابل اجرا شناخته نخواهد شد.

۷- آنچه در بالا گفته شد در مورد دادگاههای داوری هم صادق است. دادگاههای داوری هم باید اصول و معیارهای شناخته شده در تعارض قوانین را رعایت کنند. معهذا در قراردادهای مشمول بیانیه الجزایر اعمال قواعد مذکور از جمله اصل پرداخت به ریال، در صورتی که برطبق ارداده طرفین پذیرفته شده یا طرفین قرار داد فقط پول محاسبه را تعیین و درباره پول پرداخت سکوت کرده باشند، قابل بحث است. ممکن است گفته شود بیانیه الجزایر بادر نظر گرفتن یک حساب تضمینی به مبلغ یک میلیارد دلار (ماده ۷ بیانیه اصلی) و قبول پرداخت محکوم به احکامی که به نفع آمریکائیان صادر شده باشد، از حساب مذکور، در واقع پرداخت به دلار را در کلیه قرار دادهای مشمول بیانیه الجزایر مقرر داشته است. همین نظر ظاهرا "مورد قبول دیوان داوری دعاوی ایران ایالات متحده واقع شده است".

معهذا در نقد آن می‌توان گفت در بیانیه‌های الجزایر به هیچ وجه پرداخت تعهدات ریالی ایران و موسسات ایرانی به دلار تصریح نشده است و پرداخت از حساب تضمینی دلاری محدود به تعهداتی است که از ابتدا به دلار بوده است. بدیهی است که نباید از بیانیه‌های الجزایر تفسیر موسع کرد و اصل تفسیر مضیق از یک قرارداد بین‌المللی

اقتضا می‌کند که تعهد پرداخت به دلار به موجب بیانیه محدود به قراردادهائی شود که در آنها پرداخت به دلار در خود قرارداد پیش‌بینی شده است . اصل تفسیر به‌زیان نویسنده (آمریکا) . *contra proferentem* هم مقتضی همین محدودیت است .